

بررسی تطبیقی وابستگی دام به مرتع در شرایط خشکسالی و ترسالی (مطالعه موردی: ایل قشقایی - طایفه شش بلوکی)

سید محمدرضا حبیبیان^{۱*}، حسین بارانی^۲، احمد عابدی سروسنانی^۲ و عادل سپهری^۳

*- نویسنده مسئول، دانشجوی دکترای علوم مرتع، دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی گرگان، ایران

پست الکترونیک: smrhabibian@yahoo.com

۲- دانشیار، گروه مرتع، آبخیزداری و شیلات، دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی گرگان، ایران

۳- استاد، گروه مرتع، آبخیزداری و شیلات، دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی گرگان، ایران

تاریخ پذیرش: ۹۶/۳/۲۱

تاریخ دریافت: ۹۵/۹/۷

چکیده

شیوه زندگی عشایری بر سه مؤلفه کوچ، دام و مرتع استوار است. خشکسالی‌ها اثرهای قابل توجهی بر کاهش تولیدات علوفه و خوراک دام عشایر می‌گذارد. این شیوه به دلیل وابستگی شدید به مراتع برای تغلیف دام خسارتهای جبران‌ناپذیری را متحمل می‌شوند. بنابراین مشخص کردن میزان و درصد وابستگی دام عشایر به مرتع در خشکسالی و ترسالی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. نظر به نقش و اهمیت مراتع در تأمین علوفه دام‌های عشایر، این تحقیق در زیست‌بوم ایل قشقایی (طایفه شش بلوکی) طی دو سال ۱۳۹۳ و ۱۳۹۴ انجام شد تا میزان وابستگی دام به مرتع، پس‌چر مزارع و علوفه دستی به تفکیک در بیلاق و قشلاق در ترسالی‌ها و در خشکسالی‌ها مشخص شود. روش جمع‌آوری اطلاعات در این تحقیق، کتابخانه‌ای و میدانی (پرسشنامه و مصاحبه) بود. برای تعیین حجم نمونه از روش کوکران استفاده شد. روایی-پایایی پرسشنامه انجام شد. از ۴۰۵ خانوار عشایری نمونه پرسشنامه تکمیل و مصاحبه انجام و نسبت به جمع‌آوری و طبقه‌بندی اطلاعات مورد نیاز تحقیق اقدام شد. سپس با استفاده از نرم‌افزارهای آماری، داده‌های به‌دست آمده مورد تجزیه و تحلیل آماری قرار گرفت. نتایج تحقیق نشان داد که بین تیره‌های مختلف عشایر طایفه شش بلوکی از نظر درصد وابستگی دام به مرتع، پس‌چر و تغذیه دستی در ترسالی‌ها و خشکسالی‌ها، تفاوت معنی‌داری ($P < 0/01$) وجود دارد. به‌طوری‌که در تیره‌های عشایر مورد بررسی، وابستگی دام به مرتع در ترسالی ۵۳/۳۵ درصد، در خشکسالی ۳۴/۸ درصد، وابستگی دام به پس‌چر مزارع در بیلاق در ترسالی ۲۵/۶ درصد و در خشکسالی ۳۰/۵ درصد، وابستگی دام به علوفه دستی در قشلاق در ترسالی ۲۰/۹ درصد و در خشکسالی ۳۴/۶ درصد بدست آمد. در ضمن در این بررسی مشخص شد که هنوز با وجود تخریب شدید مراتع، درصد وابستگی دام‌های عشایر تیره‌های مذکور به مراتع چشمگیر است و به نظر می‌رسد همین مسئله موجب شده تا هنوز کوچ عشایر به شیوه سنتی تداوم داشته باشد.

واژه‌های کلیدی: پس‌چر مزارع، تغذیه دستی، ترسالی و خشکسالی، علوفه، طایفه شش بلوکی، مراتع قشلاقی، مراتع بیلاقی، وابستگی دام.

مقدمه

زندگی مبتنی بر کوچ و مرتع‌داری نوع خاصی از معیشت در مناطق خشک و نیمه‌خشک جهان محسوب می‌شود که بر مبنای رمه‌گردانی و بهره‌برداری از مراتع و علفزارهای طبیعی قوام یافته است. تخمین زده می‌شود که بین ۱۰۰ تا ۲۰۰ میلیون نفر در دنیا به این روش زندگی می‌کنند (Grahn, 2008). زندگی عشایر مبتنی بر کوچ مستمر به منظور تأمین علوفه دام از مراتع و دسترسی به شرایط مساعد آب و هوایی است. این روش زندگی دارای سابقه طولانی در ایران است که متناسب با شرایط اقلیمی شکل گرفته است. در سده اخیر تحولات زیادی در شیوه زندگی سنتی عشایر به وجود آمده است؛ به نحوی که عشایر کارکرد گذشته خود را ندارند. از جمله این تحولات می‌توان به تغییر زمان حرکت و کوچ عشایر اشاره کرد که اغلب به ورود زود هنگام دام به مراتع و تخریب آن می‌انجامد (عابدی سروستانی، ۱۳۹۳).

کشور ایران به دلیل دارا بودن شرایط اقلیمی و جغرافیایی خاص و وجود رشته کوه‌های البرز و زاگرس از دیرباز بستر مناسبی برای دامداری بوده است. دامداران این سرزمین با استفاده از تقسیم مراتع به مراتع بیلاقی و قشلاقی به دامداری مبتنی بر کوچ پرداخته‌اند. در طی هزاران سال مراتع به عنوان بخشی از منابع تجدیدپذیر، اصلی‌ترین منبع تغذیه دام به شمار می‌روند. عشایر کشور با جمعیت ۱۸۰۰۰۰ خانوار و داشتن ۲۲۵۵۱۰۷۲ رأس دام که ۲۸/۹۶ درصد دام کل کشور را تشکیل می‌دهند. عمده‌ترین بهره‌برداران اراضی مرتعی کشورند که به سبب بهره‌برداری از اراضی حاشیه‌ای و مراتع و نیز تولید با حداقل هزینه، در گذر سال‌ها فعالیتشان از دیدگاه اقتصادی تداوم یافته است. با توجه به جایگاه دامداری در اقتصاد خانوار عشایر می‌توان دریافت که الگوی زیستی این بهره‌برداران براساس تعلیف دام از مراتع و ضرورت‌های آن شکل گرفته است (اسکندری و همکاران، ۱۳۸۸).

نجفی (۱۳۷۰) در تحقیق خود مبنی بر بررسی اقتصادی کوچ‌نشینی در سیستان و راه‌های بهبود آن به این نتیجه دست

پیدا کرد که اقتصاد بیشتر زندگی عشایر بر مبنای دامداری است و محوریت دامداری نیز بهره‌برداری از مراتع است. بنابراین حل مشکلات دامداران به افزایش میزان علوفه مراتع بستگی دارد، زیرا حتی ممکن است ۵۸ تا ۹۰ درصد کل هزینه‌های دامداری را هزینه‌های تغذیه آن تشکیل دهد. ترک‌نژاد و همکاران (۱۳۷۳) در محاسبه ارزش اقتصادی منابع طبیعی تجدیدشونده با فرض میزان اتکای ۵۰ درصد کل دام کشور به مراتع، ارزش اقتصادی علوفه برداشت شده را از مراتع و عرصه‌های جنگلی برآورد کردند. آنان همچنین ارزش افزوده جنگل و مرتع را بیش از ۳۰ درصد در بخش کشاورزی اعلام کردند. همچنین بررسی در حوزه اقتصاد منابع طبیعی نشان می‌دهد که رشد فقر عاملی مؤثر برای کاهش دسترسی به منابع درآمدی و عدم به‌کارگیری فناوری مناسب است. به دنبال آن مراتع و اراضی کشاورزی با ضعف روبه رو شده و با کاهش قابلیت بهره‌برداری، زمینه‌های تخریب فراهم می‌شود (Pearce & Tumer, 1990).

Hoffman (۲۰۰۲) مرتع را به عنوان محیطی پیچیده با انواع متنوع ابزار و امکانات رفاهی و همچنین فرهنگ غنی با محیط‌های اجتماعی - فرهنگی مختلف ارزیابی و بیان کرد که برخلاف اهمیت بالای مراتع در معیشت جوامع مختلف، اقتصاد بهره‌برداران این عرصه‌ها و روش زندگی که به آن وابسته‌اند، به طور کامل شناخته نشده است.

مرکز توسعه پایدار فائو CENESTA (۲۰۰۴) اعلام نموده که بیش از ۹۰ درصد از گستره ایران را مناطق خشک و نیمه‌خشک تشکیل می‌دهد. بخش عمده‌ای از این مناطق، مراتعی هستند که محل زیست عشایر کوچ رو هستند. شیوه زندگی عشایر نوعی از کاربری زمین را شکل می‌دهد که مناسب مناطق خشک و نیمه‌خشک با تغییرات توپوگرافی نسبتاً زیاد، مانند ایران است. عشایر کوچ‌رو آموخته‌اند که چگونه مراتع را با تکنیک‌های عالمانه نرفته در نهادهای اجتماعی و فرهنگی پیچیده خود حفاظت کنند. این شیوه زندگی در دهه‌های اخیر، به دلیل فشارهای خارجی کاملاً دگرگون شده است. خشکسالی یکی از عوامل خارجی است

علوفه دستی) برای دامداران با صرف هزینه قابل توجهی همراه است که بسیاری از دامداران توان پرداخت چنین هزینه‌ای را ندارند. خرید علوفه دستی و نیز اجاره مزارع برای بهره‌برداری از پس‌چر، سرچر و خصیل از جمله شیوه‌های متداول بین دامداران است (حبیبیان و همکاران، ۱۳۸۲). با اینکه در حال حاضر علوفه دستی و پس‌چر در علف‌دهی دام عشایر کوچنده نقش بسیار مهمی پیدا کرده‌است، ولی باز هم این شیوه دامداری در ترسالی‌ها و سال‌های میانگین، حداکثر علوفه مورد نیاز دام و بخشی از خوراک مورد نیاز افراد خانوار را از مرتع تأمین می‌کند و بقای آن بستگی مستقیم و زیادی با شیوه‌های بهره‌برداری از مراتع طبیعی دارد.

تاکنون توافق عمومی محققان بر این بوده که خشکسالی بر زندگی عشایر اثرهای عمیقی بر جای گذاشته است اما از کمیت این اثرها کمتر سخنی به میان آمده است. در این رابطه این سؤال مطرح می‌شود که در تیره‌های مختلف عشایر طایفه شش بلوکی میزان وابستگی دام به مرتع، پس‌چر مزارع و علوفه دستی در خشکسالی‌ها و ترسالی‌ها چقدر است؟. این تحقیق سعی دارد تا این وابستگی‌ها را به صورت کمی بیان نماید. پاسخ به این سؤال تحقیق می‌تواند ما را در برنامه‌ریزی اصولی و توسعه زندگی عشایر کمک نماید. بنابراین ضروری است که این تحقیق با هدف تعیین میزان وابستگی دام به مرتع، پس‌چر و علوفه دستی به تفکیک در ییلاق و قشلاق در ترسالی‌ها و در خشکسالی‌ها انجام شود تا از نتایج آن بتوان در برنامه‌ریزی‌های اصولی بلندمدت و پایدار مربوط به مدیریت مرتع، دام و چرا در زیست‌بوم عشایری طایفه شش بلوکی بهره جست. فرضیه تحقیق عبارت است از اینکه بین بهره‌برداران مرتعی تیره‌های مختلف طایفه شش بلوکی از لحاظ میزان وابستگی دام آنها به مرتع، پس‌چر مزارع و علوفه دستی در ترسالی‌ها و خشکسالی‌ها تفاوت وجود دارد.

که اخیراً عشایر را وادار به تغییر رفتار کرده است. این پدیده اثرهای همه‌جانبه بر جوامع بر جای می‌گذارد. کشور ایران از لحاظ بروز بلایای طبیعی در ناحیه آسیب‌پذیر جهان قرار گرفته و از نظر اقلیمی در زمره کشورهای خشک دنیاست که در معرض خشکسالی‌های متعدد و شدید قرار دارد و بی‌تردید این خشکسالی‌ها اثرهای قابل توجهی بر کاهش تولیدات علوفه و خوراک دام و به تبع آن تولید دام خواهد گذاشت. از این ناحیه خسارتهای قابل توجهی متوجه پرورش‌دهندگان دام، به‌ویژه نظام سنتی و عشایری که بیشتر جمعیت دام سبک در آن قرار دارد، وارد خواهد شد. استان فارس جزء استان‌هایی است که نه تنها یکی از مناطق مهم عشایری ایران است، بلکه وقوع خشکسالی‌های متعدد سالهای اخیر در این استان، منجر به بحران منابع آبی در کشاورزی و محیط‌زیست شده است (محسن‌پور، ۱۳۸۷). همچنین خشکسالی اثرهای قابل توجهی در سازگاری‌های زیست محیطی و اثرهای اقتصادی بر تولید دام عشایر مانند کمبود آب‌شرب، کمبود علوفه، کاهش ظرفیت چرا، کاهش طول دوره چرا، عدم پراکنش مناسب دام در سطح مرتع، فروش دام زایا و بره‌های کم وزن، افت قیمت دام، عرضه انبوه به بازار، ترک زندگی عشایری، کاهش تولید گوشت قرمز و کوچ زود هنگام بر زندگی عشایر و دام می‌گذارد (Negler *et al.*, 2007). وقوع خشکسالی و نوسانهای آب و هوایی، نوسانهای قیمت دام و علوفه و سایر نهاده‌های تغذیه‌ای برای دام، آفات و بیماری از مهمترین چالش‌های مدیریت دام-مرتع هستند. اگرچه مدیران مرتع و دام کنترل کمی روی هریک از این متغیرها دارند، اما خشکسالی ممکن است کمتر قابل کنترل باشد (Gray *et al.*, 1983). خشکسالی بر بهره‌وری علوفه مراتع و علوفه حاصل از مزارع کشاورزی تأثیر منفی گذاشته و موجب کاهش پوشش گیاهی و تولید علوفه شده‌است. بنابراین دامداران عشایری به علت وابستگی به مراتع با کمبود علوفه در طول سال و به عبارت بهتر در طول دوره خشکسالی مواجه می‌شوند. به‌طور کلی می‌توان گفت تأمین علوفه از منابع غیرمرتعی (پس‌چر مزارع و

مواد و روش‌ها

ویژگی‌های اکولوژیکی منطقه مورد بررسی

اقلیم‌های غالب در قلمروهای ییلاقی بر اساس روش آمبرژه ارتفاعات، نیمه مرطوب سرد و نیمه خشک سرد و در قلمروهای قشلاقی بیابانی گرم میانه، بیابانی گرم خفیف و بیابانی گرم شدید است. وسعت مراتع طایفه شش بلوکی برابر ۱۱۶۵۲۰۵ هکتار می‌باشد که ۶۷ درصد آن در قلمرو قشلاقی و ۳۳ درصد آن در قلمرو ییلاقی گسترده شده است. در محدوده‌های قلمرو قشلاقی طایفه شش بلوکی سه تیپ عمده مرتعی که در مجموع دارای مساحتی برابر ۷۸۲۹۳۱ هکتار می‌باشند، مشاهده می‌شود. به دلیل آنکه منطقه دارای اقلیمی گرم و خشک است، بیشتر از گیاهان مقاوم به خشکی تشکیل شده است. گونه شاخص این قلمرو درخت گرمسیری کنار با زیراشکوب گندمیان و پهن‌برگان یکساله است. در محدوده قلمرو ییلاقی طایفه، ۷ تیپ مرتعی عمده که سطحی برابر ۳۸۲۲۷۴ هکتار را پوشانیده‌اند، مشاهده می‌گردد. گیاهان شاخص درختچه‌ای این قلمرو ارژن، خوشک و گیاهان مرتعی بیشتر آن جاشیر، کوما و گندمیان چند ساله سردسیری است. میانگین میزان بارش سالانه در یک دوره آماری ۲۰ ساله در قلمرو قشلاقی از ۲۲۳ میلی‌متر در استان بوشهر تا ۳۷۰ میلی‌متر در استان فارس و در قلمرو ییلاق از ۳۷۰ میلی‌متر تا ۳۸۸ میلی‌متر در شمال استان فارس تا نزدیکی حنا و سمیرم در استان اصفهان متغیر است. میانگین دمای سالانه در قلمرو قشلاق، از ۲۰/۲ درجه سانتی‌گراد تا ۲۶ درجه سانتی‌گراد و در قلمرو ییلاق این طایفه از ۱۰/۳ تا ۱۱/۱ درجه سانتی‌گراد متغیر است (اداره کل امور عشایر استان فارس، ۱۳۸۶؛ مطالعات جامع زیست‌بوم‌های عشایری طایفه شش بلوکی).

زیست‌بوم طایفه شش بلوکی به وسعت تقریبی ۱۳۱۸۷۰۰ هکتار شامل قسمت‌هایی از استان فارس،

بوشهر و اصفهان است و یکی از زیست‌بوم‌های بزرگ در ایل قشقایی بشمار می‌آید. شش بلوکی‌ها که از پرجمعیت‌ترین طوایف ایل قشقایی هستند در این زیست‌بوم حداکثر جمعیت را به خود اختصاص می‌دهند. ییلاق این طایفه در دشت نمدان از قابلیت‌های بالقوه مناسبی برای توسعه فعالیت‌های زراعی و دامداری برخوردار است. قلمرو قشقایی نیز که دشت‌های نسبتاً وسیع فراشبنند، بوشکان، دژگاه، دشت پلنگ و خرمایک را دربرمی‌گیرد، دارای شرایط آب و هوایی مناسبی برای استفاده حداکثر از منابع آب و خاک است (اداره کل امور عشایر استان فارس، ۱۳۸۶).

قلمرو ییلاقی این طایفه به وسعت تقریبی ۴۷۴۱۰۰ هکتار شامل سرحدات شهرستان‌های آباده و اقلید از استان فارس و شهرستان سمیرم از استان اصفهان بوده و در گستره جغرافیایی ۵۱ درجه، ۳۰ دقیقه طول غربی تا ۵۲ درجه و ۴۶ دقیقه طول شرقی از نصف‌النهار گرینویچ و ۳۰ درجه و ۱۸ دقیقه عرض جنوبی تا ۳۱ درجه و ۵۴ دقیقه عرض شمالی از استوا قرار گرفته است.

قلمرو قشلاقی این طایفه به وسعت تقریبی ۸۴۴۶۰۰ هکتار شامل مرزهای سیاسی شهرستان‌های فیروزآباد و لامرد از استان فارس و شهرستان‌های دشتستان و دشتی، کنگان و دیر از استان بوشهر بوده و گستره جغرافیایی ۵۰ درجه و ۵۵ دقیقه طول غربی تا ۵۲ درجه و ۱۸ دقیقه طول شرقی از نصف‌النهار گرینویچ و ۲۷ درجه و ۴۵ دقیقه عرض جنوبی تا ۲۹ درجه و ۹ دقیقه عرض شمالی از استوا قرار دارد.

در این تحقیق مرتع‌داران عشایری شامل ۷ تیره (تیره‌های دوقوزلو، علمدارلو، رحیمی، کوهی، کلهلو، قره یارلو و بهلولی) و ۲۳ بنکو (بنکوه‌های صفرلو، خواجه ویسلو، محمدعلی داوودلو، توش مارلو، آبادچی، عراقی، داوودلو، جهانگیرلو، پارانلو، محمد خانلو نظری، رضایی کانلو، تقی بیگلو، بیگلو، میر، خدابخشلو، آقایی، بیرامی، پسندلو، اوزباشلو، چغارلو، قاسملو و محمودی) است.

حجم نمونه

تجزیه و تحلیل قرار گرفت. به طوری که با استفاده از روش کالموگراف-اسمیرنف نرمال بودن داده‌ها بررسی شد.

برای تعیین حجم نمونه از فرمول کوکران استفاده شد. حجم نمونه ۳۴۵ خانوار بدست آمد. در مورد بهره‌برداران این طایفه برای دقت بیشتر در این تحقیق ۴۰۵ نمونه انتخاب شد که بر اساس حجم جامعه در تیره‌ها (۷ تیره) و بنکوها (۲۳ بنکو) و با نسبت‌گیری از حجم جامعه، حجم نمونه مشخص شد.

نوع تحقیق

این تحقیق از نوع تحقیقات کاربردیست. از نظر روش با توجه به ماهیت موضوع و اهداف تحقیق، روش تحلیلی-پیمایشی (نظرسنجی از بهره‌برداران عشایری) و همچنین از روش مطالعات کتابخانه‌ای و بررسی متون و محتوای مطالب و نیز روش‌های میدانی مانند مصاحبه و پرسشنامه استفاده شد.

روش جمع‌آوری اطلاعات

در این پژوهش، به منظور گردآوری داده‌های مورد نیاز از پرسشنامه و مصاحبه استفاده شد. در تأمین روایی پرسشنامه، سؤال‌ها در اختیار تعدادی از اعضای هیئت علمی متخصص در رشته مرتع (۴ نفر)، خبرگان بخش اجرا (۴ نفر) و چند نفر از بهره‌برداران خبره عشایری قرار داده شد و برآیند نظر آنها در پرسشنامه گنجانیده شد. برای محاسبه ضریب قابلیت اعتماد ابزار اندازه‌گیری از آلفای کرانباخ استفاده شد (قاسمی، ۲۰۰۵). در این رابطه ۱۵ پرسشنامه با کمک بهره‌برداران خارج از جامعه آماری مورد مطالعه بصورت مصاحبه تکمیل گردید و با استفاده از نرم‌افزار SPSS، آلفای کرانباخ برای این بخش از پرسشنامه ۰/۷۸ بدست آمد.

روش‌های تجزیه و تحلیل داده‌ها

در این تحقیق از آزمون‌های پارامتریک از جمله آزمون F (تجزیه واریانس) و آزمون دانکن برای تعیین معنی‌داری میانگین‌های شاخص‌ها بین تیره‌های مختلف عشایری از لحاظ میزان وابستگی دام آنها به مرتع، پس‌چر و تغذیه دستی در ترسالی و خشکسالی در قشلاق و بیلاق استفاده شد.

شاخص‌های مورد اندازه‌گیری در این تحقیق عبارتند از: درصد وابستگی دام به منابع تغذیه‌ای (مرتع در ترسالی، مرتع در خشکسالی، پس‌چر مزارع در ترسالی، پس‌چر مزارع در خشکسالی، تغذیه دستی در ترسالی، تغذیه دستی در خشکسالی، غیر مرتع (پس‌چر + تغذیه دستی) در ترسالی و غیر مرتع (پس‌چر + تغذیه دستی) در خشکسالی.

نتایج

الف- مقایسه تیره‌های عشایری از نظر درصد وابستگی دام به منابع تغذیه‌ای مختلف بین ترسالی و خشکسالی در بیلاق و قشلاق:

بر اساس جدول ۱، بین ۷ تیره عشایری از نظر چهار شاخص مورد اندازه‌گیری در زمینه درصد وابستگی دام به منابع تغذیه‌ای (مرتع، پس‌چر مزارع، تغذیه دستی و غیر مرتع (پس‌چر + تغذیه دستی)، بین ترسالی و خشکسالی در بیلاق و قشلاق مقایسه انجام شد و در سه مورد از شاخص‌های مورد اندازه‌گیری زیر تفاوت معنی‌داری از نظر آماری به دست آمد ($P < 0/01$) و ($P < 0/05$).

جمع‌آوری اطلاعات و آمار مورد نیاز در این تحقیق در قالب عملیات میدانی و مراجعه به بهره‌بردار در محل زیست‌بوم عشایری طایفه شش بلوکی انجام شد. در نهایت ۴۰۵ پرسشنامه از بهره‌برداران تکمیل و بعد مورد

جدول ۱- تجزیه واریانس یکطرفه شاخص‌های مربوط به درصد وابستگی دام به منابع تغذیه‌ای مختلف

F	میانگین مربعات	مجموع مربعات	درجه آزادی	منابع تغییرات	شاخص‌ها
*	۰/۲۳۲	۰/۳۱۵	۶	بین گروهی	درصد وابستگی دام به مرتع
۳/۱۳۳	۳/۴۳۵	۲/۳۴۵	۱۴	درون گروهی	در بیلاق
	-	۳/۲۳۳	۲۰	کل	
**	۱/۱۶۷	۲/۱۴۵	۶	بین گروهی	درصد وابستگی دام به پس‌چر
۴۷/۴۹۲	۲/۳۱۲	۱/۶۱۳	۱۴	درون گروهی	در بیلاق
	-	۳/۶۷۸	۲۰	کل	
**	۰/۸۳۴	۱/۳۱۴	۶	بین گروهی	درصد وابستگی دام به علوفه
۱۲/۶۱۲	۵/۲۶۸	۳/۶۷۲	۱۴	درون گروهی	دستی
	-	۶/۱۴۳	۲۰	کل	در قشلاق

* مقایسه‌ها در سطح پنج درصد معنی‌دار است. ** مقایسه‌ها در سطح یک درصد معنی‌دار است.

جدول ۲- تجزیه واریانس یکطرفه شاخص‌های مربوط به درصد وابستگی به منابع تغذیه‌ای مختلف

F	میانگین مربعات	مجموع مربعات	درجه آزادی	منابع تغییرات	شاخص‌های مورد اندازه‌گیری
**	۰/۲۱۳	۰/۵۱۲	۲	بین گروهی	درصد وابستگی دام به مرتع در خشکسالی
۱۳/۲۷۰۰	۱/۴۷۷	۰/۶۴۵	۱۸	درون گروهی	
	-	۰/۹۸۵	۲۰	کل	
**	۰۰/۷۳۵	۱/۳۴۱	۲	بین گروهی	درصد وابستگی به پس‌چر در ترسالی
۲۰/۱۱۳	۲/۱۱۶	۰/۸۱۵	۱۸	درون گروهی	
	-	۲/۱۱۳	۲۰	کل	
**	۰/۶۱۲	۱/۴۳۲	۲	بین گروهی	درصد وابستگی دام به پس‌چر در خشکسالی
۲۱/۴۲۵	۲/۳۲۳	۰/۹۱۲	۱۸	درون گروهی	
	-	۱/۹۷۴	۲۰	کل	
**	۹/۸۷۲	۰/۲۳۴	۲	بین گروهی	درصد وابستگی دام به تغذیه دستی در ترسالی
۸/۴۵۳	۱/۷۲۴	۰/۶۷۵	۱۸	درون گروهی	
	-	۰/۹۱۳	۲۰	کل	
**	۰/۸۴۵	۲/۷۴۵	۲	بین گروهی	درصد وابستگی دام به تغذیه دستی در خشکسالی
۱۱/۲۳۵	۵/۷۳۴۰	۳/۱۱۳	۱۸	درون گروهی	
	-	۴/۵۱۲	۲۰	کل	
**	۰/۳۲۵	۰/۶۱۳	۲	بین گروهی	درصد وابستگی دام به مرتع در ترسالی
۸/۴۱۲	۴/۱۲۳	۱/۱۴۵	۱۸	درون گروهی	
	-	۱/۷۱۲	۲۰	کل	

وابستگی دام به منابع تغذیه‌ای سه‌گانه (مرتع، پس‌چر مزارع و تغذیه دستی) در ترسالی و خشکسالی مقایسه انجام شد و در هر دو مورد از شاخص‌های مورد اندازه‌گیری زیر، بین کلیه تشکل‌های اجتماعی از تیره‌های مختلف عشایر مورد بررسی از این نظر هیچ‌گونه تفاوت معنی‌داری از نظر آماری مشاهده نشد.

جدول ۳- مقایسه میانگین شاخص درصد وابستگی تغذیه‌ای

دام به مرتع در ترسالی به روش دانکن

شاخص درصد وابستگی تغذیه‌ای دام	تیره‌های عشایری	به مرتع در ترسالی
	دوقوزلو	۰/۶۰۲a
	علمدارلو	۰/۵۶۲a
	رحیمی	۰/۵۲۱ab
	کوهی	۰/۵۵۱a
	کلهلو	۰/۴۷۱c
	قره یارلو	۰/۵۷۱a
	پهلوی	۰/۴۵۷c

مقایسه میانگین این جدول در سطح پنج درصد معنی‌دار بودن محاسبه شده است.

ب- مقایسه تیره‌های عشایری از نظر درصد وابستگی دام به منابع تغذیه‌ای مختلف در ترسالی و خشکسالی به تفکیک

بر اساس جدول ۲، بین ۷ تیره عشایری مورد بررسی از نظر هشت شاخص مورد اندازه‌گیری در زمینه درصد وابستگی دام به منابع تغذیه‌ای (مرتع، پس‌چر مزارع، تغذیه دستی) در ترسالی و خشکسالی به تفکیک مقایسه انجام شد. در شش مورد از شاخص‌های زیر تفاوت معنی‌داری از نظر آماری به دست آمد ($P < 0.01$).

با استفاده از آزمون دانکن، میانگین شاخص مورد اندازه‌گیری و ارزیابی در ارتباط با میزان وابستگی دام به منابع مرتعی در ترسالی برای ۷ تیره عشایری مورد مقایسه آماری قرار گرفت. همان‌طور که در جدول ۳ مشخص است، بین تیره‌های کلهلو و پهلوی از نظر این شاخص، با بقیه تیره‌های عشایری مورد بررسی تفاوت معنی‌داری ($P < 0.05$) وجود دارد.

ج- مقایسه گروه‌های عشایری از نظر درصد وابستگی دام به منابع تغذیه‌ای سه‌گانه در ترسالی و خشکسالی

بر اساس جدول ۴، بین ۷ تیره عشایری مورد بررسی، از نظر دو شاخص مورد اندازه‌گیری در زمینه میانگین درصد

جدول ۴- تجزیه واریانس یکطرفه شاخص‌های مورد اندازه‌گیری مربوط به درصد وابستگی دام به منابع تغذیه‌ای

F	میانگین مربعات	مجموع مربعات	درجه آزادی	منابع تغییرات	شاخص‌های مورد اندازه‌گیری
ns	۱/۶۱۳	۰/۱۸۷	۶	بین گروهی	درصد وابستگی دام به منابع تغذیه‌ای سه‌گانه
۰/۴۴۵	۵/۱۳۳	۱/۲۳۲	۱۴	درون‌گروهی	(مرتع، پس‌چر و تغذیه دستی) در ترسالی
	-	۱/۴۱۵	۲۰	کل	
ns	۴/۱۱۷	۰/۵۳۲	۶	بین گروهی	درصد وابستگی دام به منابع تغذیه‌ای سه‌گانه
۱/۷۰۳	۲/۳۴۵	۰/۷۱۴	۱۴	درون‌گروهی	(مرتع، پس‌چر و تغذیه دستی) در خشکسالی
	-	۱/۱۳۵	۲۰	کل	

ns: مقایسات معنی‌دار نیست.

منابع تغذیه‌ای سه‌گانه (مرتج، پس‌چر و تغذیه دستی) در ترسالی و خشکسالی مقایسه انجام شد و در هر دو مورد از شاخص‌های مورد اندازه‌گیری زیر، بین کلیه تیره‌ها از نظر وابستگی دام بین منابع تغذیه‌ای سه‌گانه (مرتج، پس‌چر و تغذیه دستی) هم در ترسالی و هم در خشکسالی تفاوت معنی‌داری از نظر آماری به دست آمد ($P < 0/01$) و ($P < 0/05$).

د- مقایسه تیره‌های عشایری از نظر درصد وابستگی دام بین منابع تغذیه‌ای (مرتج، پس‌چر، تغذیه دستی) در ترسالی و خشکسالی بر اساس جدول ۵، بین ۷ تیره عشایری مورد بررسی از نظر دو شاخص مورد اندازه‌گیری در زمینه درصد وابستگی بین

جدول ۵- تجزیه واریانس یکطرفه شاخص‌های مورد اندازه‌گیری مربوط به درصد وابستگی بین منابع تغذیه‌ای سه‌گانه

در ترسالی و خشکسالی

F	میانگین مربعات	مجموع مربعات	درجه آزادی	منابع تغییرات	شاخص‌های مورد اندازه‌گیری
**	۰/۵۱۲	۰/۹۲۲	۲	بین گروهی	درصد وابستگی دام به منابع تغذیه‌ای
۲۴/۳۰۲	۱/۸۳۳	۰/۶۷۲	۱۸	درون‌گروهی	سه‌گانه (بین مرتج، پس‌چر و تغذیه دستی) در ترسالی
-	-	۱/۳۸۲	۲۰	کل	درصد وابستگی دام به منابع تغذیه‌ای
*	۸/۹۶۳	۰/۱۸۷	۲	بین گروهی	سه‌گانه (بین مرتج، پس‌چر و تغذیه دستی) در خشکسالی
۴/۱۱۲	۲/۵۲۳	۰/۹۵۲	۱۸	درون‌گروهی	درصد وابستگی دام به منابع تغذیه‌ای
-	-	۱/۱۱۳	۲۰	کل	سه‌گانه (بین مرتج، پس‌چر و تغذیه دستی) در خشکسالی

*: مقایسات در سطح پنج درصد معنی‌دار است. **: مقایسات در سطح یک درصد معنی‌دار است.

جدول ۶- تجزیه واریانس یکطرفه شاخص‌های مورد اندازه‌گیری مربوط به درصد وابستگی بین منابع تغذیه‌ای مرتج و غیرمرتج در ترسالی و خشکسالی

غیرمرتج در ترسالی و خشکسالی

F	میانگین مربعات	مجموع مربعات	درجه آزادی	منابع تغییرات	شاخص‌های مورد اندازه‌گیری
**	۰/۲۹۳	۰/۲۹۳	۱	بین گروهی	درصد وابستگی دام به منابع تغذیه‌ای بین مرتعی و غیر مرتعی در ترسالی
۱۶/۰۴۴	۱/۷۲۲	۰/۴۱۲	۱۲	درون‌گروهی	درصد وابستگی دام به منابع تغذیه‌ای بین مرتعی و غیر مرتعی در ترسالی
-	-	۰/۷۱۲	۱۳	کل	درصد وابستگی دام به منابع تغذیه‌ای بین مرتعی و غیر مرتعی در ترسالی
**	۸/۹۵۲	۸/۹۵۲	۱	بین گروهی	درصد وابستگی دام به منابع تغذیه‌ای بین مرتعی و غیر مرتعی در خشکسالی
۹/۳۵۴	۲/۰۱۴	۰/۲۶۵	۱۲	درون‌گروهی	درصد وابستگی دام به منابع تغذیه‌ای بین مرتعی و غیر مرتعی در خشکسالی
-	-	۰/۴۱۳	۱۳	کل	درصد وابستگی دام به منابع تغذیه‌ای بین مرتعی و غیر مرتعی در خشکسالی

** : مقایسه‌ها در سطح یک درصد معنی‌دار است.

ه- مقایسه تیره‌های عشایری از نظر درصد وابستگی تغذیه دام بین منابع مرتعی و غیرمرتعی (پس‌چر و تغذیه دستی) در ترسالی و خشکسالی

بر اساس جدول ۶، بین ۷ تیره عشایری مورد بررسی از نظر دو شاخص مورد اندازه‌گیری در زمینه درصد وابستگی دام بین منابع تغذیه‌ای (مرتع و غیرمرتع در ترسالی، مرتع و غیرمرتع در خشکسالی) مقایسه انجام شد و در هر دو مورد از شاخص‌های مورد اندازه‌گیری زیر، از نظر وابستگی دام بین منابع تغذیه‌ای مرتع و غیرمرتع (پس‌چر و تغذیه دستی) هم در ترسالی و هم در خشکسالی تفاوت معنی‌داری از نظر آماری به دست آمد ($P < 0/01$).

و- مقایسه کلی بین تیره‌های عشایری از نظر درصد وابستگی تغذیه دام به منابع مختلف در ترسالی و خشکسالی

با توجه به جدول ۷، به‌طور کلی در تیره‌های عشایر مورد بررسی، وابستگی دام به مرتع در ترسالی ۵۳/۳۵ درصد و در خشکسالی ۳۴/۸ درصد بدست آمد. وابستگی دام به تغذیه از طریق پس‌چر مزارع گندم، جو، لوبیا، چغندر، یونجه، هنداونه و غیره در بیلاق در ترسالی ۲۵/۶ درصد و در خشکسالی ۳۰/۵ درصد، همین‌طور وابستگی دام به تغذیه از طریق علوفه دستی در قشلاق در ترسالی ۲۰/۹ درصد و در خشکسالی ۳۴/۶ درصد بدست آمد.

جدول ۷- میانگین درصد وابستگی تغذیه‌ای دام در ترسالی و خشکسالی به مرتع و غیرمرتع (پس‌چر+علوفه‌دستی)

به تفکیک بیلاق - قشلاق و کل در تیره‌های عشایری

تیره‌های عشایری	وابستگی تغذیه‌ای دام به مرتع (%)						وابستگی تغذیه‌ای دام به پس‌چر (%)						
	ترسالی			خشکسالی			ترسالی			خشکسالی			
	بیلاق	قشلاق	کل	بیلاق	قشلاق	کل	بیلاق	قشلاق	کل	بیلاق	قشلاق	کل	
دوقوزلو	۲۱/۱	۳۹/۱	۶۰/۲	۱۳/۳	۲۰/۵	۴۳/۸	۱۹/۸	-	۱۹/۸	۱۹/۸	۲۱/۸	-	۲۱/۸
علمدارلو	۱۸/۵	۳۷/۷	۵۶/۲	۱۵/۳	۲۲/۶	۳۷/۹	۱۶/۹	-	۱۶/۹	۱۶/۹	۲۶	-	۲۶
رحیمی	۲۳/۶	۲۸/۵	۵۲/۱	۱۸/۵	۱۷/۲	۳۵/۷	۲۲	-	۲۲	۲۲	۲۸	-	۲۸
کوهی	۲۰/۷	۳۴/۴	۵۵/۱	۱۵/۲	۱۵/۹	۳۱/۱	۳۳/۲	-	۳۳/۲	۳۳/۲	۳۳/۸	-	۳۳/۸
کلهلو	۱۷/۸	۲۹/۳	۴۷/۱	۱۳/۷	۱۵/۸	۲۹/۵	۲۷/۸	-	۲۷/۸	۲۷/۸	۳۷/۹	-	۳۷/۹
قره یارلو	۲۴/۴	۳۲/۷	۵۷/۱	۱۹/۶	۱۷/۲	۳۶/۸	۲۹/۳	-	۲۹/۳	۲۹/۳	۳۰/۸	-	۳۰/۸
بهلولی	۱۹/۴	۲۶/۳	۴۵/۷	۱۵/۴	۱۳/۴	۲۸/۸	۳۰/۸	-	۳۰/۸	۳۰/۸	۳۵/۷	-	۳۵/۷

ادامه جدول ۷-۷

تیره‌های عشایری	وابستگی تغذیه‌ای دام به علوفه دستی (%)						وابستگی تغذیه‌ای دام به غیر از مرتع (علوفه دستی + پس‌چر) (%)					
	ترسالی			خشکسالی			ترسالی			خشکسالی		
	کل	قشلاق	بیلاق	کل	قشلاق	بیلاق	کل	قشلاق	بیلاق	کل	قشلاق	بیلاق
دوقوزلو	-	۲۰	۲۰	-	۳۴/۴	۳۴/۴	-	۲۰	۲۰	-	۳۴/۴	۳۴/۴
علمدارلو	-	۲۶/۹	۲۶/۹	-	۳۶/۱	۳۶/۱	-	۲۶/۹	۲۶/۹	-	۳۶/۱	۳۶/۱
رحیمی	-	۲۵/۹	۲۵/۹	-	۳۶/۳	۳۶/۳	-	۲۵/۹	۲۵/۹	-	۳۶/۳	۳۶/۳
کوهی	-	۱۱/۷	۱۱/۷	-	۳۵/۱	۳۵/۱	-	۱۱/۷	۱۱/۷	-	۳۵/۱	۳۵/۱
کلهلو	-	۲۵/۱	۲۵/۱	-	۳۲/۶	۳۲/۶	-	۲۵/۱	۲۵/۱	-	۳۲/۶	۳۲/۶
قره یارلو	-	۱۳/۶	۱۳/۶	-	۳۲/۴	۳۲/۴	-	۱۳/۶	۱۳/۶	-	۳۲/۴	۳۲/۴
بهلولی	-	۲۳/۵	۲۳/۵	-	۳۵/۵	۳۵/۵	-	۲۳/۵	۲۳/۵	-	۳۵/۵	۳۵/۵

بحث

با توجه به نتایج بدست آمده در این تحقیق مشخص شد که بین تیره‌های مختلف عشایر طایفه شش بلوکی از نظر درصد وابستگی دام به علوفه مرتع، پس‌چر و تغذیه دستی در ترسالی‌ها و خشکسالی‌ها و همچنین در بیلاق و قشلاق، تفاوت معنی‌داری وجود دارد ($P < 0/01$) و ($P < 0/05$). به‌طوری‌که وابستگی دام به علوفه مرتع در ترسالی بین تیره‌های مختلف عشایری متغیر است (بیشترین مقدار در تیره دوقوزلو ۶۰/۲ درصد و کمترین مقدار در تیره بهلولی ۴۵/۷ درصد را به خود اختصاص داده است). وابستگی دام به علوفه مرتع در خشکسالی بین تیره‌های مختلف عشایری متغیر است (بیشترین مقدار تیره دوقوزلو ۳۷/۹ درصد و کمترین مقدار تیره کلهلو ۲۹/۵ درصد را به خود اختصاص داده است). وابستگی دام به پس‌چر مزارع در بیلاق در ترسالی بین تیره‌های مختلف عشایری متغیر است (بیشترین مقدار در تیره کوهی ۳۳/۲ درصد و کمترین مقدار در تیره علمدارلو ۱۶/۹ درصد را به خود اختصاص داده است). وابستگی دام به پس‌چر مزارع در بیلاق در خشکسالی بین

تیره‌های مختلف عشایری متغیر است (بیشترین مقدار در تیره کلهلو ۳۷/۹ درصد و کمترین مقدار در تیره دوقوزلو ۲۱/۸ درصد را به خود اختصاص داده است). وابستگی دام به علوفه دستی در قشلاق در ترسالی بین تیره‌های مختلف عشایری متغیر است (بیشترین مقدار در تیره علمدارلو ۲۶/۹ درصد و کمترین مقدار در تیره کوهی ۱۱/۷ درصد را به خود اختصاص داده است). وابستگی دام به علوفه دستی در قشلاق در خشکسالی بین تیره‌های مختلف عشایری متغیر است (بیشترین مقدار در تیره رحیمی ۳۶/۳ درصد و کمترین مقدار در تیره قره‌یارلو ۳۲/۴ درصد را به خود اختصاص داده است). وابستگی دام به علوفه غیر مرتع (پس‌چر + علوفه دستی) در ترسالی بین تیره‌های مختلف عشایری متغیر است (بیشترین مقدار در تیره بهلولی ۵۴/۳ درصد و کمترین مقدار در تیره دوقوزلو ۳۹/۸ درصد را به خود اختصاص داده است). وابستگی دام به علوفه غیر مرتع (پس‌چر + علوفه دستی) در خشکسالی بین تیره‌های مختلف عشایری متغیر است (بیشترین مقدار در تیره بهلولی ۷۲/۲ درصد و کمترین مقدار در تیره دوقوزلو ۵۶/۲ درصد را به

خسارتها و کاهش پایداری دامداری متکی بر مراتع شده است، مطابقت دارد.

بنابراین به نظر می‌رسد علت افزایش درصد وابستگی دام به علوفه مرتعی در خشکسالی و همچنین علت کاهش درصد وابستگی دام به پس‌چر مزارع در ییلاق و علوفه دستی در قشلاق در ترسالی برخی از تیره‌ها، مربوط به کمیت و کیفیت مرتع در زیست‌بوم و قلمرو قشلاق و ییلاق طایفه شش بلوکی و همچنین اندازه گله، عملکرد مدیریت بهره‌بردار و وقوع خشکسالی‌های پی در پی می‌باشد. مثلاً برخی از تیره‌های مورد بررسی در این تحقیق در ییلاق علاوه بر مرتع کوهستانی و دشتی، دارای چمن‌زار بوده و همین موضوع باعث می‌گردد تا بین ۲۰ تا ۳۰ روز دام خود را دیرتر به پس‌چر مزارع وارد نمایند و به‌همین دلیل وابستگی دام به پس‌چر کمتر و در نتیجه وابستگی دام به علوفه مرتعی این تیره‌ها بیشتر خواهد بود. از جمله تیره‌های دوقوزلو، علمدارلو، رحیمی و کلهلو نسبت به بقیه تیره‌ها دام‌هایشان از علوفه مرتعی بیشتری بهره‌مند می‌شوند. در ضمن اینکه این تیره‌ها از وسعت زیست‌بوم بیشتری نسبت به بقیه نیز برخوردارند. به‌هرحال نتایج بدست آمده از این تحقیق حکایت از این دارد که بتدریج با تخریب بیش از حد مراتع، کاهش سطح مراتع، تبدیل کاربری مرتع به غیر مرتع و همچنین وقوع خشکسالی‌های پی در پی باعث شده که در دهه‌های اخیر وابستگی دام به علوفه مرتعی کاهش یافته و با توجه به گرانی علوفه دستی و همچنین پس‌چر مزارع ممکن است شیوه کوچندگی و نیمه‌کوچندگی کمرنگ شود. بنابراین لازم است که بیش از پیش برای بهبودی و افزایش ظرفیت مراتع به‌ویژه مراتع عشایری تمهیداتی اندیشیده شود. با توجه به نتایج بدست‌آمده از این تحقیق (جدول ۷)، به‌طور کلی در تیره‌های عشایر مورد بررسی، وابستگی دام به مرتع در ترسالی ۵۳/۳۵ درصد و در خشکسالی ۳۴/۸ درصد بدست آمد. وابستگی دام به تغذیه از طریق پس‌چر مزارع گندم، جو، لویسا، چغندر، یونجه، هنداونه و غیره در

خود اختصاص داده است). نتایج بدست‌آمده از این تحقیق با نتایج (اسکندری و همکاران، ۱۳۸۸)، مبنی بر وابستگی شدید دام عشایر به منبع علوفه مرتعی و همچنین با نتایج بدست‌آمده از مطالعات موردی انجام شده توسط مراکز و مؤسسات معاونت آموزش و تحقیقات وزارت جهادسازندگی (۱۳۶۸) در چهار منطقه جنوب البرز، شمال خراسان، ترکمن صحرا، قلمرو زیست‌بوم ایل بختیاری و استان کهگیلویه و بویراحمد، مبنی بر وابستگی دام سبک جثه، از جمله گوسفند و بز به مرتع بر حسب شیوه‌های دامداری و منطقه تحقیقاتی متفاوت است. به‌طور متوسط این وابستگی حدود ۵۰ درصد است. در ضمن از نتایج این تحقیقات برمی‌آید که تغذیه دستی و تغذیه دام‌های وابسته به مراتع از منابع تغذیه‌ای غیر از مرتع (پس‌چر مزارع و علوفه دستی) در دهه‌های اخیر به علت خشکسالی‌های پی در پی و افزایش تعداد دام از یکسو و کاهش تولید و ظرفیت مراتع از سوی دیگر رو به فزونی گذاشته است، مطابقت دارد. ضمناً با نتایج ترک‌نژاد و همکاران (۱۳۷۳) مبنی بر میزان اتکای ۵۰ درصد کل دام کشور به مراتع و حبیبیان و همکاران (۱۳۸۶) مبنی بر اینکه بین طوایف مختلف عشایری در ایل قشقای از نظر درصد وابستگی دام به مرتع، پس‌چر مزارع و علوفه دستی در ترسالی‌ها و خشکسالی‌ها تفاوت معنی‌داری در سطوح مختلف آماری بدست آورده‌اند تا حدودی همخوانی دارد. نتایج این تحقیق با نتایج میرزایی (۱۳۹۰) در مورد اثرهایی که خشکسالی بر زندگی عشایر استان فارس و دام آنها داشته، از جمله مشکل تأمین علوفه (افزایش تغذیه دستی و هزینه)، کاهش طول دوره چرا و غیره داشته است و همچنین با نتایج Le و Fernandez-Gimenez (۲۰۰۶) که بیان کرده‌اند مهمترین پیامد خشکسالی در بهره‌برداری از مرتع، کاهش تولید علوفه مراتع و فشارهای اقتصادی به دامداران است. نتایج نیکدخت و همکاران (۱۳۸۶) مبنی بر اینکه خشکسالی از طریق تأثیراتی که بر روی تغذیه دام در این دوره می‌گذارد موجب

-حبیبیان، س. ح.، مهرابی، ع. و ارزانی، ح.، ۱۳۸۲. بررسی و مقایسه دو نوع اسکان خودجوش و هدایت شده و تأثیر آنها بر شیوه‌های بهره‌برداری از مراتع. پایان‌نامه دکتری، دانشکده منابع طبیعی دانشگاه تهران.

-حبیبیان، س. ح.، مهرابی، ع. و ارزانی، ح.، ۱۳۸۶. مقایسه عشایر اسکان یافته خودجوش و هدایت شده در ترسالی و خشکسالی از نظر درصد وابستگی دام به علوفه مرتعی. دانشکده منابع طبیعی، ۶۵۵-۶۷۲: (۲)۶۰.

-حسینی عراقی، ه.، ۱۳۶۸. وضعیت مراتع کهگیلویه و بویر احمد، طرح تدوین نظام بهره‌برداری از مراتع. وزارت جهاد سازندگی، معاونت آموزش و تحقیقات، جلد ۲۲.

-عابدی سروستانی، ا.، ۱۳۹۳. واکاوی کوچ زودرس بهاره عشایر استان فارس. تحقیقات جغرافیایی، ۲۹(۴): ۲۷-۴۲.

-محسن پور، ر.، ۱۳۸۷. بررسی پیامدهای خشکسالی در سطح مزرعه مطالعه موردی منطقه مرودشت، شیراز. پایان‌نامه کارشناسی ارشد اقتصاد کشاورزی، دانشگاه شیراز.

-میرزایی، د.، ۱۳۹۰. ارزیابی سیاست‌های مقابله با خشکسالی دولت در حمایت از جوامع عشایری استان فارس. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده کشاورزی، اقتصاد کشاورزی، دانشگاه شیراز.

-نجفی، ب.، ۱۳۷۰. بررسی اقتصادی کوچ‌نشینی در سیستان و راه‌های بهبود آن. مجموعه مقالات سمینار استراتژی توسعه زندگی عشایر، شیراز، ۴۸۵-۴۶۷.

-نیکدخت، ر.، کرمی، ع. و ازکیا، م.، ۱۳۸۶. واکاوی مقایسه‌ای در نظام‌های دامداری سنتی: مطالعه موردی دامداران شهرستان فیروزآباد. علوم و فنون کشاورزی و منابع طبیعی، ۴۱(۲): ۴۳۳-۴۴۱.

-CENESTA (Center for Sustainable Development), 2004. The role of Qashqai nomadic communities in reducing vulnerability to recurrent drought and sustainable livelihoods development in Iran. Center for Sustainable Development, Iran, FAO Rural Development Division.

-Forest, Range and Watershed Management Organization of Iran, 2015. Rangelands in Iran. Retrieved from:

بیلاق در ترسالی ۲۵/۶ درصد و در خشکسالی ۳۰/۵ درصد، همین‌طور وابستگی دام به تغذیه از طریق علوفه دستی در قشلاق در ترسالی ۲۰/۹ درصد و در خشکسالی ۳۴/۶ درصد بدست آمد. مضاف بر اینکه خشکسالی بر بهره‌وری علوفه مراتع و علوفه حاصل از مزارع کشاورزی تأثیر منفی گذاشته و موجب کاهش پوشش گیاهی و تولید علوفه دام می‌شود. بنابراین دامداران عشایری به علت وابستگی به مراتع با کمبود علوفه در طول سال و به عبارت بهتر در طول دوره خشکسالی مواجه می‌شوند. بی‌تردید این خشکسالی‌ها اثرهای قابل توجهی بر کاهش تولیدات علوفه و خوراک دام و به تبع آن تولید دام خواهد گذاشت. از این ناحیه خسارتهای قابل توجهی متوجه پرورش‌دهندگان دام، به‌ویژه نظام سنتی و عشایری که اغلب جمعیت دام سبک در آن قرار دارد، وارد خواهد شد. بنابراین می‌توان گفت تأمین علوفه از منابع غیر مرتعی (پس‌چر و علوفه دستی) برای دامداران با صرف هزینه قابل توجهی همراه است که بسیاری از دامداران توان پرداخت چنین هزینه‌ای را ندارند. خرید علوفه دستی و نیز اجاره مزارع برای بهره‌برداری از پس‌چر، سرچر و خصیل از جمله شیوه‌های متداول بین دامداران است. با اینکه در حال حاضر علوفه دستی و پس‌چر در علف‌دهی دام عشایر کوچنده نقش بسیار مهمی پیدا کرده‌است، ولی باز هم این شیوه دامداری حداکثر علوفه مورد نیاز دام و بخشی از خوراک مورد نیاز افراد خانوار را از مرتع تأمین می‌کند و بقای آن بستگی مستقیم و زیادی با شیوه‌های بهره‌برداری از مراتع طبیعی دارد. در ضمن، در این بررسی مشخص شد که هنوز با وجود تخریب شدید مراتع، درصد وابستگی دام عشایر تیره‌های مذکور به علوفه مراتع چشمگیر است و به نظر می‌رسد همین مسئله موجب شده تا هنوز کوچ عشایر به شیوه سنتی تداوم داشته باشد.

منابع مورد استفاده

- اداره‌ی کل امور عشایر استان فارس، ۱۳۸۹. برنامه راهبردی استراتژیک (ساماندهی عشایر استان فارس) در افق ۱۴۰۴-۱۳۸۹. ایران، ۱۲۲ص.

- firing a sustainable path for the further. A regional strategy workshop in the international year of mountains. Lhasa P. R.China, 132-140.
- Nagler, A., Bastian, C. T., Hewlett, J. P., Mooney, S., Paisley, S. I., Smith, M. A., Frasier, M. and Umberger, W. 2007. Multiple impacts-multiple strategies: How Wyoming cattle producers are surviving in prolonged drought. University of Wyoming Cooperative Extension Publication, <http://ces.uwyo.edu/PUBS/B1178.pdf>.
- Pearce, D.W. and Turner, R. K., 1990. Economics of Natural Resources and Environment Horteester white sheet N.Y, 392p.
- Torknejad, A., Sheykhi, A. A. and Najar Firouzjani, M., 1994. Reviewing of economical value computing of alternative natural resources. Proceeding of the Frst National Range and Range Management Seminar in Iran Isfahan university of technology publication, 7-18.
- <http://www.frw.org.ir/CimayeManabeTabeeKeshvar/MarateIran/pageid/46/language/fa-IR/Default.aspx>.
- Eskandari, N., Alizadeh, A. and Mahdavi, F., 2009. Range Management Politics in Iran. Recommended by Forest, range and watershed management organization of Iran. Pouneh Publications, Iran, 196p.
- Grahn, R., 2008. The Paradox of Pastoral Vulnerability: From Poverty to Power. Oxford:Oxfam, UK.
- Fernandez-Gimenez Maria, E. and David Swift, M., 2006. Strategies for sustainable grazing management in the developing world, The 7th International Rangeland Congress: 26 July -1 August 2003.
- Gray, J. R., Fowler, J. M. and Clevenger, K., 1983. Economics of ranching in New Mexico in drought and no drought period. Department staff report 13. Department of Agricultural Economics and Agricultural Business, New Mexico State University, Las Cruces.
- Hoffman, K., 2002. The changing face of pastoralism in the Kush-Himalayan-Tibetan plates High lands

A comparative study on the dependence of livestock to the rangeland in rainy and dry years (Case study: Qashqae-Tribe, Clan of Sesh-Boloki)

S. M. R. Habibian^{1*}, H. Barani² A. Abedi Sarvestani² and A. Sepehri³

1*-Corresponding author, Ph.D. Student of Rangeland Science, Gorgan University of Agricultural Sciences and Natural Resources, Gorgan, Iran, Email: smrhabibian@yahoo.com

2-Associate Professor, Gorgan University of Agricultural Sciences and Natural Resources, Iran

3- Professor, Gorgan University of Agricultural Sciences and Natural Resources, Iran

Received:11/27/2016

Accepted:6/11/2017

Abstract

Considering the role and importance of rangelands for supplying animal feeds of the nomads, a study was conducted on the Qashqae-Tribe (Clan Sesh-Boloki) ecosystem during 2014 and 2015 to determine the dependence of their livestock to the feeding sources including rangelands, crop residues and manual feeding separately in winter and summer seasons/rangelands, and in the wet and dry years. The method for collecting the data was the field survey based on the library review via questionnaires and interviews, respectively. Cochran's criterion/methodology was used to determine the sample size. The validity-reliability of the questionnaires was controlled by the conventional methods. The data were collected through filling in questionnaires and interviews with 405 samples from nomadic households. Then, using statistical software, the data were statistically analyzed. According to the results, the animal dependence of families of nomadic clans of Shesh-blouki tribe on various feeding sources (the rangeland, the crop residues, and manual feeding) in the wet and dry years showed a significant difference ($P<0.01$). The animal of nomadic families studied was 53.36 percent dependent on the rangelands in the wet years, and 34.8 percent in dry years; the dependence on crop residues in the summer rangeland in the wet years was 25.6 percent and in the dry years was 30.5 percent; the livestock dependence on manual feeding in the winter area in the wet years was 20.9 percent and in the dry years was 34.6 percent. Additionally, in this study, it was found that despite the severe degradation of rangelands, the percentage of livestock dependence of nomadic families to the rangelands is still significant and it seems that this issue has led nomads to continue traditional migrations.

Keywords: Crop residue, livestock dependence, forage, manual feeding, wet and dry years, summer rangelands, Tribe of Shesh-Boloki, winter rangelands.